إصدارات أنصار الإمام المهدي / العدد (١٢٦)

**انتشارات انصار امام مهدی**

الأجوبة الفقهية

(كتاب الصيام)

پاسخ‌های فقهی

 (کتاب روزه)

أجوبة وصي ورسول الإمام المهدي

السيد أحمد الحسن

پاسخ‌های وصی و فرستادۀ امام مهدی

سید احمدالحسن

إعداد

الشيخ علاء السالم

گردآوری و تنظیم

علا سالم

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی

الطبعة الأولى

١٤٣٢ هـ - 2011 م

|  |  |
| --- | --- |
| نام کتابنویسندهگردآوری و تنظیممترجمنوبت انتشارتاریخ انتشارکد کتابویرایش ترجمه | پاسخ‌های فقهی (کتاب روزه)احمدالحسنعلا سالمگروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدیدوم۱۳۹۶1/131اول |
|  |

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن

يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي :

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمدالحسن

به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

[**www.almahdyoon.co/ir**](http://www.almahdyoon.co/ir)

[**www.almahdyoon.co**](http://www.almahdyoon.co)

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً**

بسم الله الرحمن الرحیم

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین الائمه و المهدیین و سلّم تسلیماً

عن الحارث بن المغيرة النصري: (قلت لأبي عبد الله : بأيِّ شيء يُعرف الإمام القائم، قال : بالسكينة والوقار. قلت: وبأيِّ شيء؟ قال: تعرفه بالحلال والحرام، وبحاجة الناس إليه ولا يحتاج إلى أحد، ويكون عنده سلاح رسول الله . قلت: أيكون إلا وصي ابن وصي؟ قال: لا يكون إلا وصي وابن وصي) غيبة النعماني: ص١٢٩.

از حارث بن مغیره نصری روایت شده است: به ابو عبد الله عرض کردم: امام قائم با چه چیزی شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: (**با سکینه و وقار**). عرض کردم: و با چه ابزاری؟ فرمود: (**او را با حلال و حرام می‌شناسی، و اینکه مردم به او نیازمندند و او به احدی نیازمند نیست، و سلاح رسول** **خدا نزد او می‌باشد**). گفتم: آیا او جز وصیِ فرزند وصی خواهد بود؟ فرمود: (**جز این نخواهد بود که او وصی و فرزند وصی است**).([[1]](#footnote-1))

على ضوء هذا النهج الإلهي الذي أوضحه آل محمد  في التعرّف على الإمام القائم أضع بين يدي أنصار الله - أنصار الإمام المهدي (٩٣) سؤالاً مما يكثر بها الابتلاء عادة وتمس حياة الناس مباشرة، كانت قد وجِّهت إلى السيد أحمد الحسن في ما يرتبط بأحكام الصيام والاعتكاف، وأغلبها لا تحتويه عبارته في باب الصيام من كتاب شرائع الإسلام، لذا كان لزاماً تدوين هذه الأجوبة عبر حلقات، وسنرى سهولة العبارة ووضوحها كوضوحهم روحي فداهم.

در پرتو این راه آشکار و روشن الهی ـ‌که آل محمد در شناسانیدن امام قائم تبیین فرموده‌اند‌ـ ۹۳ پرسشی را که به طور معمول بیش‌تر مردم مبتلابه‌شان می‌باشند به انصار خداوند ـ‌انصار امام مهدی‌ـ تقدیم می‌کنم؛ پرسش‌هایی که در رابطه با احکام روزه و اعتکاف به سید احمدالحسن ارایه شده و مضمون بیش‌ترشان در فصل روزه کتاب (احکام نورانی اسلام) (شرایع الاسلام) نیامده است؛ از این رو تدوین این پاسخ‌ها در قالب بخش‌هایی لازم بود و به این ترتیب شفاف و روشن بودن عبارات مربوط به این احکام را همان طور که آل محمد ـ‌که جانم فدایشان باد‌ـ روشن فرموده‌اند خواهیم دید.

سيدي أحمد الحسن .. إن حال بيننا وبينك المقدور، وتعاقبت الأيام بعد انتظارك سنين ودهوراً، فصرت شريداً طريداً، ولكن أبت رحمتك بنا نحن أهل الخطايا المقصرين في حقكم آل محمد، إلا أن تأخذ بأيدينا إلى صراط الله القويم وتبين لنا حلاله وحرامه، لتكتمل حلقة الطهارة بولايتكم التي أخذ الله سبحانه على الخلق ميثاقها.

آقای من، احمدالحسن... هر چند میان ما و شما حایلی تقدیر شده است و روزها در انتظارت به ماه‌ها و سال‌ها منتهی شد، و شما آواره و رانده شدی، اما لطف و رحمت خود را از ما که خطاکارانی تقصیرکار در حق شما آل محمد هستیم دریغ نفرمودی؛ جز این نیست که دست ما را بگیری و به راه راست استوار الهی رهنمون سازی و حلال و حرامش را به ما بنمایانی، تا آن حلقۀ پاک به ولایت شما تکمیل گردد؛ همان ولایتی که خداوند سبحان عهد و میثاقش را از خلایق گرفته است.

أضع بين يديك يا بن رسول الله ما جمعته من شرع الله الذي أوضحتَه بأجوبة الأسئلة التي تواردت عليك، أجبتها رغم كل ما تمر به من قساوة الدهر وأهله، وكان شرعاً أريدَ له أن يغيب كتغييبكم أهل البيت ليملأ العلماء غير العاملين حياة الناس بأحكام لا تمتّ إلى دين الله وشرعه بصلة أبداً. والله سبحانه أسال وأرجو أن يمكّن لك في أرضه لإقامة دينه وحاكميته، والحمد لله رب العالمين.

ای پسر رسول خدا! آنچه را که از شرع خداوند ـ‌که با پاسخ دادن به سوالاتی که بر شما عرضه شده است برای ما روشن ساختی‌ـ گردآوری نمودم، تقدیم پیشگاه‌تان می‌کنم؛ سوالاتی که با تمام قساوت و سنگدلی این روزگار و اهالی‌اش اقدام به پاسخ دادن‌شان نمودی؛ احکام و شریعتی که اینگونه اراده شده بود که همچون غیبت شما غایب و پنهان بمانند تا عالمان بی‌عمل زندگانیِ مردمان را با احکام و دستوراتی که به هیچ وجه راهی به دین خدا و شرع او ندارند آکنده سازند. از خدای سبحان مسئلت دارم و امیدوارم که برای بر پا شدن دین و حاکمیتش شما را در زمینش تمکین دهد؛ و سپاس و ستایش تنها از آنِ خداوند، آن پروردگارِ جهانیان است.

 ٢٨ / ربيع الثاني / ١٤٣٢

 علاء

۲۸ ربیع الثانی ۱۴۳۲([[2]](#footnote-2))

علا

پاسخ‌های فقهی

کتاب روزه



**فهرست**

[پاسخ‌های فقهی کتاب روزه 7](#_Toc488403850)

[نیّت روزه: 11](#_Toc488403851)

[مبطلات روزه: 13](#_Toc488403852)

[زمان‌هایی که روزه در آن صحیح است: 20](#_Toc488403853)

[کسانی که روزه‌شان صحیح است: 20](#_Toc488403854)

[دیدن هلال: 22](#_Toc488403855)

[وقت روزه: 30](#_Toc488403856)

[روزه در بیماری و قضای آن: 30](#_Toc488403857)

[قضای روزه: 33](#_Toc488403858)

[قضای پسر بزرگتر برای آنچه والدینش به جا نیاورده‌اند 35](#_Toc488403859)

[آنچه به کفارۀ روزه تعلق دارد: 38](#_Toc488403860)

[سایر مسایل روزه: 41](#_Toc488403861)

[شب قدر: 43](#_Toc488403862)

[اعتکاف: 44](#_Toc488403863)

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً**

بسم الله الرحمن الرحیم

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین الائمه و المهدیین و سلّم تسلیماً

أضع بين أيدي المؤمنين أجوبة فقهية للسيد أحمد الحسن على أسئلة وجهت إليه تتعلق بمسائل الصيام ويتبعها ما يتعلق بالاعتكاف، قمت بترتيبها حسب تسلسل المادة المطروحة في كتاب شرائع الإسلام / للسيد أحمد الحسن .

پاسخ‌های فقهی سید احمدالحسن را در مورد پرسش‌هایی که در خصوص مسایل مربوط به روزه و در ادامۀ آن اعتکاف از ایشان پرسیده شده است تقدیم به مؤمنان می‌کنم. این پرسش‌ها را به همان ترتیبِ مطرح شده در کتاب احکام نورانی اسلام (شرایع اسلام) سید احمدالحسن مرتب نموده‌ام.

\* \* \*

**نية الصيام:**

نیّت روزه:

س۱/ هل وقت نية الصوم في الليل أو عند الفجر ؟

پرسش ۱:

وقت نیّت روزه شب است یا هنگام فجر؟

ج/ النص في الشرائع واضح؛ أن وقت النية يمتد من الليل إلى الزوال، ويختص شهر رمضان بجواز أن تقدم النية عليه، وهذا هو النص في الشرائع: (ويكفي في رمضان وغيره أن ينوي صيامه متقرباً إلى الله. ولو نسيها ليلاً جددها نهاراً، ما بينه وبين الزوال. فلو زالت الشمس فات محلها، واجباً كان الصيام أو ندباً. ويختص رمضان بجواز تقديم النية عليه. ولو سها عند دخوله فصام، كانت النية الأولى كافية. وكذا يجزي نية واحدة لصيام الشهر كله).

پاسخ:

متنِ کتاب شرایع واضح است؛ اینکه وقت نیت از شب تا زوال (اول ظهر) است، و فقط در ماه رمضان می‌توان نیّت را بر آن مقدمّ شمرد. این متن کتاب شرایع است: «در ماه رمضان و در غیر ماه رمضان کافی است که روزه را جهت تقرب به خدا نیّت کند، و اگر در شب، نیّت کردن را فراموش کرد می­تواند تا قبل از زوال (اذان ظهر) نیّت کند. اگر اذان ظهر فرا رسید مهلت نیّت تمام شده است، چه روزه­اش واجب باشد و چه مستحب؛ فقط برای روزه­ی ماه رمضان می­تواند نیّت را بر ماه رمضان مقدّم کند و اگر اینگونه نیّت کرد و وارد ماه رمضان شد و فراموش کرد دوباره نیّت کند (یعنی پس از وارد شدن به ماه رمضان نیّت نکرد) و اولین روز را روزه گرفت، همان نیّت اول کافی است (یعنی نیّتی که قبل از داخل شدن ماه رمضان انجام داده بود)، و به این ترتیب می­توان برای روزه گرفتن تمام ماه رمضان، تنها یک نیّت کرد».

س۲/ تفوت النية بزوال الشمس إن نسيها في الليل ولم يجددها إلى الزوال، ماذا يفعل فيما لو كان الصوم واجباً كشهر رمضان أو يوم يجب عليه صومه بنذر مثلاً ؟

پرسش ۲:

اگر شب نیت نکرده باشد و در روز تا قبل از ظهر نیت نکند، با رد شدن خورشید از ظهر (زوال) نیت از دست می‌رود. اگر روزه واجب باشد ـ‌به عنوان مثال روزۀ ماه رمضان یا روزی که روزه‌اش با نذر واجب شده است‌ـ چه باید کند؟

ج/ إذا لم ينوِ الصيام إلى أن زالت الشمس، لم يصح منه الصيام الواجب أو المستحب، وعليه أن يقضي الواجب، وإذا كان متعمداً قضاه وكَفَّر.

پاسخ:

اگر نیت نکرد تا اینکه خورشید از ظهر رد شد، روزه‌اش چه واجب باشد و چه مستحب از او پذیرفته نیست، و بر او واجب است روزۀ واجب را قضا نماید و اگر به عمد نیت را ترک نماید باید قضایش را به جا آورد و کفاره بدهد.

س۳/ إذا لم يكن في نيته الصوم ليلاً، ولما أصبح أراد أن ينوي الصيام واجباً كالقضاء أو مستحباً، فهل يصح منه ذلك ؟

پرسش ۳:

اگر شب نیت روزه نداشت و وقتی صبح شد نیت روزۀ واجب مثل روزۀ قضا یا روزۀ مستحبی کند، آیا روزه‌اش صحیح است؟

ج/ يصح كما مبين في الشرائع أن النية وقتها إلى الزوال، فما دام لم يفطر فله أن ينوي الصيام قبل الزوال.

پاسخ:

همان‌طور که از کتاب شرایع برمی‌آید، صحیح است. وقت نیت تا اول ظهر است؛ بنابراین تا هنگامی که مرتکب مبطلات روزه نشده باشد، تا پیش از گذشتن خورشید از ظهر می‌تواند نیّت کند.

س٤/ نية تجديد الصيام التي تحصل بعد نية الإفطار، هل يختلف الحال فيها فيما إذا كانت قبل الزوال عنها فيما إذا كانت بعده ؟

پرسش ۴:

اگر کسی نیت باطل کردن روزه و سپس مجددا نیت روزه کند، آیا حکمش اگر پیش از ظهر یا بعد از ظهر باشد متفاوت می‌شود؟

ج/ لو عقد نية الصيام، ثم نوى الإفطار ولم يفطر، ثم جدد النية، كان صحيحاً سواء كانت نية الإفطار قبل أم بعد الزوال.

پاسخ:

اگر نیت روزه کرد، سپس نیت باطل کردن روزه نمود ولی روزه را باطل نکرد و سپس مجددا نیت روزه نمود، روزه‌اش صحیح است، چه نیت باطل کردن روزه پیش از ظهر بوده باشد و چه بعد از ظهر.

س٥/ من يقضي شهر رمضان لو عزم على الإفطار قبل الزوال ولكنه لم يفطر، ثم استمر بصومه، هل تؤثر نية الإفطار وقطع الصوم على صحة صيامه ؟

پرسش ۵:

کسی که (روزه) ماه رمضان را قضا می‌کند اگر پیش از ظهر بخواهد افطار کند ولی مرتکب مبطلات روزه نشود و روزه‌اش را ادامه دهد، آیا قصد افطار و باطل کردن روزه بر صحیح بودن روزه‌اش تاثیر می‌گذارد؟

ج/ الجواب موجود في ج: س٤.

پاسخ:

پاسخ در جواب پرسش ۴ موجود است.

\* \* \*

**المفطرات:**

مبطلات روزه:

س٦/ من مفسدات الصيام الكذب على الله ورسوله وحججه الأئمة والمهديين، هل يشمل ذلك تكذيب الرؤى الصادقة والكشف، وكذلك رد وتكذيب روايات آل محمد عليهم السلام، أو نفي مقام أو حق ثابت لهم والعياذ بالله ؟

پرسش ۶:

دروغ بر خدا و پیامبرش و حجت‌هایش ائمه و مهدیین جزو مبطلات روزه است. آیا این حکم شامل تکذیب رؤیاهای صادقانه و مکاشفه و همچنین نپذیرفتن و تکذیب روایات آل محمد یا ـ‌پناه بر خدا‌ـ نفی مقام یا حق ثابت شدۀ آنها نیز می‌شود؟

ج/ الكذب غير التكذيب أو عدم التصديق، والمفطر هو الكذب وليس التكذيب وإن كان مرتكبه آثم، والكذب في الرؤيا والكشف غير مفطر ولكن مرتكبه آثم، ولكي يوصف إنسان بالكذب فلابد أن تكون الحقيقة واضحة له وهو يخالفها عن عمد تبعاً لهواه أو لغرض في نفسه أو تقليداً للغير .... الخ، فلا يوصف المشتبه أو الناسي أو الساهي بأنه كاذب.

پاسخ:

دروغ بستن غیر از تکذیب یا تصدیق نکردن است، و آنچه روزه را باطل می‌کند دروغ بستن است نه تکذیب، اگرچه تکذیب کننده، گناه‌کار است. دروغ شمردن رؤیا و مکاشفه باطل کننده نیست، اگرچه انجام دهنده‌اش گناه‌کار است؛ و برای اینکه شخصی متّصف به صفت دروغ‌گویی شود باید حقیقت برای او واضح و آشکار باشد و او از روی عمد و در جهت پیروی از خواست نفسانی یا هدفی دیگر در نفسش، یا از روی تقلید از دیگران و .... با آن مخالفت کند. بنابراین کسی که حق برایش مشتبه شده (روشن نیست) یا فراموش‌کار است یا کسی که عمدی ندارد، با صفت دروغ‌گو بودن توصیف نمی‌شود.

س٧/ هل يجب على الصائم المبادرة للغسل لو حصل الاحتلام أثناء النهار ؟

پرسش ۷:

آیا بر روزه‌دار واجب است به محض محتلم شدن (جُنُب شدن) در روز غسل کند؟

ج/ لا يجب.

پاسخ:

واجب نیست.

س٨/ من المفسدات إيصال الغبار الغليظ إلى الحلق، هل يجب على الصائم أخذ الحيطة فيما إذا علم بوصول الغبار لا بقصد منه كما إذا كان الجوّ مغبراً غبرة شديدة ؟

پرسش ۸:

رسانیدن غبار غلیظ به حلق یکی از مبطلات روزه است. آیا بر روزه‌دار وقتی که بداند غبار ناخواسته به حلقش می‌رسد ـ‌مثلاً هنگامی که هوا به شدت غبارآلود است‌ـ واجب است، مانعی (جلوی دهانش) بگیرد؟

ج/ لا يجب عليه أخذ الحيطة، وإن كان الأفضل أن يأخذ الحيطة لكي لا يصل الغبار إلى حلقه.

پاسخ:

گرفتن مانع، بر او واجب نیست. هرچند افضل و بهتر است که مانعی بگیرد تا غبار به حلقش نرسد.

س٩/ هل يؤثر الدخان المنبعث من احتراق الوقود في السيارات والماكنات وما شابه على الصيام، وبالتالي يجب اجتنابه ؟

پرسش ۹:

آیا دود ناشی از احتراق سوخت در اتومبیل‌ها، ابزار و وسایل و نظایر اینها بر روزه تاثیر می‌گذارد؟ و آیا دوری از آن واجب است؟

ج/ لا يؤثر ولا يجب اجتنابه.

پاسخ:

اثری ندارد و دوری از آن واجب نیست.

س١٠/ هل يمكن للصائم تنظيف أسنانه بالفرشاة مع المعجون، خصوصاً إذا كان معتاداً لفعل ذلك لمرض في أسنانه ؟

پرسش ۱۰:

آیا روزه‌دار می‌تواند دندان‌هایش را با مسواک و خمیردندان تمیز کند؟ به خصوص اگر به خاطر بیماری دندان عادت به این کار داشته باشد؟

ج/ جائز.

پاسخ:

جایز است.

س١١/ في حال إصابة الإنسان ببعض الأمراض كالزكام وما شابه تكثر عادة الترشحات النازلة من مواضعها في الرأس وتصل الفم، فهل يؤثر ابتلاعها على الصيام في حالة العمد مرة، وبدونه أخرى ؟

پرسش ۱۱:

در حین بیمار شدن انسان به برخی از بیماری‌ها مثل سرماخوردگی و امثال آن، به طور معمول ترشحاتی که از سر به دهان سرازیر می‌شود زیاد می‌گردد، آیا بلعیدن آن به صورت عمدی و یا به صورت غیر عمدی بر روزه تاثیر می‌گذارد؟

ج/ الجواب في الشرائع وهذا هو النص: (لا يفسد الصيام بابتلاع النخامة والبصاق ولو كان عمداً، ما لم ينفصل عن الفم. وما ينزل من الفضلات من رأسه إذا استرسل وتعدى الحلق من غير قصد لم يفسد الصيام. ولو تعمد ابتلاعه أفسد).

پاسخ:

جواب در کتاب شرایع موجود و این متن آن است: (فرو بردن خلط­های گلو و آب دهان روزه را باطل نمی­کند هر چند عمدی باشد، البته تا وقتی که از فضای دهان خارج نشده باشد، اما آنچه (خلط­هایی که) از سر می­آید اگر به حلق برسد، در صورت بلعیدن غیر عمدی روزه­اش باطل نیست، اما اگر عمداً آن را ببلعد روزه­اش باطل است).

س١٢/ أحياناً تنفصل النخامة من موضعها وتصير داخل الفم فهل يجوز ابتلاعها ولو عن عمد، أو تكون مما يشملها الفضلات النازلة من الرأس ليؤثر ابتلاعها عن عمد على الصيام ؟

پرسش ۱۲:

ممکن است خلط از جایش جدا و داخل دهان شود؛ آیا در این صورت بلعیدنش ـ‌حتی اگر به عمد باشد‌ـ جایز است؟ یا جزو ترشحات فرو ریخته از سر به حساب می‌آید که بلعیدن عمدی آن روزه را باطل می‌نماید؟

ج/ يجوز ابتلاعها ما لم تنفصل عن الفم.

پاسخ:

بلعیدنش تا زمانی که از دهان جدا نشده، جایز است.

س١٣/ هل يجوز قلع الأسنان أو علاجها في وقت الصيام اختياراً مع علمه عادة بعدم السيطرة عن وصول الإفرازات إلى الحلق، وبشكل عام هل يفسد الصوم ابتلاع الدم مع البصاق، وهذا مرة يكون بعلمه بوجود الدم في أسنانه، وأخرى بالشك في ذلك ؟

پرسش ۱۳:

آیا کشیدن یا معالجۀ دندان در وقت روزه به صورت اختیاری در حالی که می‌داند نمی‌تواند مانع از رسیدن ترشحات به حلق شود، جایز است؟ و به صورت کلی، آیا فرو بردن خون به همراه بزاق روزه را باطل می‌کند؟ چه با آگاه بودن به وجود خون در دندان‌ها و چه با داشتن شک و تردید در این خصوص؟

ج/ ابتلاع الدم عمداً محرم ومفطر، وإذا كان عن غير قصد لم يفطر. وقلع الأسنان أو علاجها أو عمل عملية في الفم أو ما شابه غير جائز في وقت الصيام إذا علم (تيقن) بأنها تؤدي إلى ابتلاع بعض الدم أو الإفرازات.

پاسخ:

فرو بردن خون به صورت عمدی حرام و موجب بطلان روزه است، و اگر به عمد نباشد روزه را باطل نمی‌کند. کشیدن یا معالجه یا هر عملی در دهان یا مانند آن در زمان روزه داری، اگر بداند (یقین داشته باشد) که آن کار موجب فرو بردن خون یا ترشحات می‌شود، جایز نیست.

س١٤/ ما يوضع في أنف المريض أو أذنه من قطرات (دواء)، هل لها حكم الاحتقان بالمائع وتفسد الصيام، أم لا ؟

پرسش ۱۴:

قطره‌هایی (داروهایی) که در بینی یا گوش مریض ریخته می‌شود، آیا حکم اماله با مایع را دارد و روزه را باطل می‌کند یا خیر؟

ج/ لا تفسد الصيام إلا إن وصلت إلى حلق الإنسان.

پاسخ:

روزه را باطل نمی‌کند مگر اینکه به حلق انسان برسد.

س١٥/ هل استعمال البخاخ (بخاخ الربو) عند الحالات الاضطرارية في نهار شهر رمضان مفطر ؟

پرسش ۱۵:

آیا استعمال اسپری ( آسم) در صورت اضطرار در روز ماه رمضان روزه را باطل می‌کند؟

ج/ غير مفطر.

پاسخ:

باطل کننده نیست.

س١٦/ هناك أمراض مزمنة تتطلب تناول العلاج، هل يكون ذلك عذراً مسوغاً للإفطار، وكيف سيتمكن من القضاء والحالة هذه تصاحبه طول السنة ؟

پرسش ۱۶:

برخی بیماری‌ها طول درمان دارند. آیا این عذری موجه برای روزه نگرفتن می‌شود؟ و اگر تمام سال اینچنین و تحت درمان باشد، چگونه می‌تواند قضای روزه‌هایش را به جا آورد؟

ج/ هو مريض مرخص له الإفطار إذا لم يمكنه الإمساك عن العلاج وقت الصيام ولم يمكنه جعل العلاج بالزرق بالعضلة أو بالوريد بدل الابتلاع وقت الصيام وإذا استمر مرضه إلى رمضان التالي سقط عنه القضاء وكفر عن كل يوم بمد (٤/٣ كغم).

پاسخ:

چنین شخصی اگر در طول مدت روزه نمی‌تواند درمانش را متوقف کند و نمی‌تواند به جای خوردن (دارو) معالجه را از طریق تزریق در عضله یا رگ انجام دهد، بیماری محسوب می‌شود که خوردن روزه برایش جایز است و اگر بیماری‌اش تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کند، قضای روزه از او ساقط است و باید به ازای هر روز، یک مُد ($\frac{3}{4}$ کیلوگرم) غذا به فقرا بدهد.

س١٧/ وهناك علاج يمكن تناوله بلا شرب للماء كبعض الحبوب الصغيرة وما شابه، فهل تكون مفطرة أيضاً ؟

پرسش ۱۷:

داروهایی وجود دارد که خوردن‌شان بدون نوشیدن آب امکان‌پذیر است؛ مثل بعضی از قرص‌های کوچک و نظایر آن. آیا اینها روزه را باطل می‌کنند؟

ج/ ابتلاع الحبوب مفطر.

پاسخ:

خوردن قرص روزه را باطل می‌کند.

س١٨/ أحياناً تستعمل الحقنة بالمائع لتنظيف رحم المرأة المسمى بـ (الغسل المهبلي)، أو الحقنة من خلال إحليل الرجل لعلاج مرضٍ ما، فهل يفسد ذلك الصيام ؟

پرسش ۱۸:

گاهی اوقات اماله با مایع برای تمیز کردن رحم زن که نامش « شستشوی مهبلی» است، یا اماله از طریق مجرای ادرار مردان برای معالجه برخی از بیماری‌ها به کار می‌رود. آیا چنین عملی روزه را باطل می‌کند؟

ج/ الحقنة بالقبل (فرج الرجل أو المرأة) لا تفسد الصيام، ولا يفسد الصيام بالحقنة في العضلة أو الوريد إلا المغذي فإنه يفسد، ويفسد الصيام الحقنة بالمائع في الدبر (مثل الحقنة التي تستخدم لتنظيف الجهاز الهضمي لأجراء الفحص أو العلاج).

پاسخ:

اماله از جلو ( آلت مرد یا فرج زن) روزه را باطل نمی‌کند، و تزریق در عضله یا رگ هم روزه را باطل نمی‌کند مگر اینکه مواد مغذی باشد که در این صورت باطل کننده است. اما اماله با مایع از پشت روزه را باطل می‌کند؛ مانند اماله‌ای که برای تمیز کردن دستگاه گوارش برای انجام نمونه برداری یا معالجه انجام می‌شود.

س١٩/ ورد في الشرائع: (الثالث: يفسد الصيام ما يصل إلى الجوف بغير الحلق عدا الحقنة بالمائع)، ولم يتضح لي معناه ؟

پرسش ۱۹:

در کتاب شرایع آمده است: (سوم: هر چیزی که بدون عبور از حلق، به شکم برسد روزه را باطل می‌کند، غیر از اماله با مایع)، ولی معنایش برایم روشن نیست.

ج/ المقصود الحقنة بالمائع في العضلة أو الوريد فهي غير مفطرة، والحقنة بالمائع في الدبر مفطرة.

پاسخ:

اماله با مایع در عضله یا رگ (تزریق) باطل کنندۀ روزه نیست، اما اماله با مایع در پشت باطل کنندۀ روزه است.

س٢٠/ وما حكم نقل الدم (من المكلف أو إليه) أثناء الصيام ؟

پرسش ۲۰:

حکم انتقال خون (از ملکف یا به مکلف) هنگام روزه‌داری چیست؟

ج/ يجوز وغير مفطر.

پاسخ:

جایز است و روزه را باطل نمی‌کند.

س٢١/ هل كل ما يوجب الغسل يبطل الصيام، فمثلاً: مس الميت هل يبطل الصيام ؟

پرسش ۲۱:

آیا هر چیزی که موجب غسل می‌شود روزه را نیز باطل می‌کند؟ مثلاً آیا مسّ میّت روزه را باطل می‌کند؟

ج/ فقط ما ذكرت في الشرائع أنه يبطل الصيام وضمن ما ذكرت من تفصيل، أما مس الميت فلا يبطل الصيام.

پاسخ:

فقط چیزهایی که در کتاب شرایع و توضیحات آنها ذکر کردم روزه را باطل می‌کند، اما مسّ میّت روزه را باطل نمی‌کند.

س٢٢/ كل من فسد صومه بفعل مفطر من المفطرات، هل يجب عليه الإمساك طول اليوم؟

پرسش ۲۲:

کسی که روزه‌اش را با یکی از مبطلات روزه باطل کرده است، آیا خودداری (از مبطلات روزه) در طول روز بر او واجب است؟

ج/ يمسك استحباباً.

پاسخ:

از روی استحباب خودداری کند.

\* \* \*

**الزمن الذي يصح فيه الصيام:**

زمان‌هایی که روزه در آن صحیح است:

س٢٣/ هل يجوز الاعتماد على ما هو موجود في بعض البلاد الإسلامية من المنبهين أو التلفاز وما شابه بخصوص طلوع الفجر، أم لابد من الفحص والتأكد بنفسه، وماذا إذا كان ليس لديه معرفة بتحديد الأوقات ؟

پرسش ۲۳:

آیا اعتماد کردن به بعضی از رسانه‌ها یا تلویزیون و مانند آنها که در بعضی از کشورهای اسلامی موجود است، در مورد طلوع فجر جایز می‌باشد؟ یا باید خود شخص تحقیق و اطمینان حاصل نماید؟ و اگر آگاهی به زمان دقیق اوقات شرعی ندارد چه کار کند؟

ج/ التلفاز أو المنبهون أو غيرها من الوسائل مثلها مثل التقويم الذي سألتم عنه سابقاً، فلابد من فحص بعض أوقاتها لمعرفة مدى دقتها ومطابقتها للوقت الشرعي. وهذا هو الجواب السابق: (التقويم إذا كان موافقاً للأوقات الشرعية يجوز العمل به، فلابد أولاً من فحص التقويم وتدقيق مدى مطابقته للوقت الشرعي قبل العمل به).

پاسخ:

تلویزیون یا دیگر رسانه‌های نظیر آن ـ‌مثل تقویمی که پیش‌تر در مورد آن پرسیدید‌ـ باید در مورد بعضی از اوقاتش تحقیق شود تا میزان دقت و مطابقت آن با وقت شرعی مشخص شود. این جوابی است که پیش‌تر دادم: (اگر تقویم موافق با اوقات شرعی باشد عمل به آن جایز است. بنابراین باید ابتدا در مورد تقویم تحقیق شود و میزان مطابقت آن با وقت شرعی ـ‌پیش از عمل کردن به آن‌ـ بررسی گردد).

\* \* \*

**من يصح منه الصيام:**

کسانی که روزه‌شان صحیح است:

س٢٤/ هل يكفي تبرع الصبي المميز بالصوم عن ميت قصّر ولده الأكبر عن إبراء ما في ذمته ؟

پرسش ۲۴:

آیا روزۀ تبرّعی (مجانی) از بچۀ ممیّز به نیابت از مرده‌ای که پسر بزرگش از انجام آنچه بر عهده‌اش بوده کوتاهی کرده، صحیح است؟

ج/ يصح صيامه ويجزي.

پاسخ:

روزه‌اش صحیح است و کفایت می‌کند.

س٢٥/ ما حكم الصبية التي تبلغ ولكنها لا تراعي أحكام الصيام لصغرها، ويحصل منها ما يفسد الصوم عمداً وهي تعلم مرة أو تجهل أخرى، وإن كانت الآن كبرت فهل يجب عليها قضاء ما مضى مع الكفارة، وكم تقضي وتكفر أن لم تعرف عدد الأيام التي فعلت فيها ذلك ؟

پرسش ۲۵:

حکم دختر بچه‌ای که به بلوغ رسیده ولی به خاطر کوچک بودنش احکام روزه را رعایت نمی‌کند و مرتکب مبطلات روزه می‌شود ـ‌گاهی آگاهانه و گاهی از روی ناآگاهی‌ـ چیست؟ و اگر اکنون بزرگ شده باشد آیا قضای روزه‌های گذشته و کفاره‌شان واجب می‌باشد؟ اگر تعداد روزهایی که در آن مبطلات را مرتکب شده است نمی‌داند چقدر قضا به جا آورد و چقدر کفاره بدهد؟

ج/ البالغ إن أفسد صيامه متعمداً فعليه القضاء والكفارة، وإن تهاون في القضاء حتى جاء رمضان آخر فعليه أن يكفر أيضاً بمد إضافة إلى كفارة الإفطار العمد، أما لو كان إفطاره أو إفساده لصيامه عن جهل فعليه القضاء فقط.

پاسخ:

انسان بالغ اگر روزه‌اش را به عمد باطل کند بر او قضا و کفاره واجب می‌شود، و اگر در به جا آوردن قضا تا رمضان سال بعد کوتاهی کند باید علاوه بر کفارۀ باطل کردن عمدی روزه، یک مد هم کفاره بدهد، اما اگر باطل کردن روزه از روی جهل و ناآگاهی بوده باشد، فقط قضا بر عهده‌اش می‌باشد.

س٢٦/ وعلى ضوء الشريعة المقدسة: كيف يتعامل الأبوان مع ابن أو بنت لا يؤديان فريضة الصيام مع وجوبه عليهما ؟

پرسش ۲۶:

طبق آموزه‌های شرع مقدس: پدر و مادر با پسر یا دختری که روزه بر آنها واجب است ولی روزه نمی‌گیرند، چگونه رفتار کنند؟

ج/ يجب على الوالدين تعريف الأبناء والبنات قبل البلوغ بالواجب عليهم فعله بعد البلوغ، ثم يجب على الوالدين حث الأبناء والبنات على أداء الواجبات وترك المحرمات بل ومتابعتهم حتى يبلغوا سن ١٨ عام.

پاسخ:

بر پدر و مادر واجب است کارهایی که بعد از بلوغ بر پسران یا دختران واجب می‌شود را پیش از بلوغ به آنها بیاموزند. سپس بر آنها واجب است تا پسران و دختران را بر انجام دادن واجبات و ترک محرمات تشویق کنند، و حتی تا رسیدن به سن ۱۸ سالگی با آنها همراهی نمایند.

س٢٧/ ما حكم الصبية إن بلغت وأرادت الصيام في أيام شديدة الحر بحيث لا يكتمل اليوم لها إلا بصعوبة بالغة ؟

پرسش ۲۷:

حکم دختر بچه‌ای که به بلوغ رسیده و می‌خواهد روزهای بسیار گرم که جز با سختی فراوان برایش به پایان نمی‌رسد را روزه بگیرد، چیست؟

ج/ يجوز ويصح إلا إن كان الصيام يسبب لها ضرراً.

پاسخ:

جایز و صحیح است، مگر اینکه روزه موجب ضرری برایش گردد.

س٢٨/ ما هو الحكم إذا ارتفع عذر (الكافر أو الصبي أو المجنون أو المغمى عليه) قبل الزوال ولم يتناولوا مفطر، فهل يجب عليهم الصيام ؟

پرسش ۲۸:

اگر عذر (کافر، بچه، دیوانه یا بیهوش) پیش از ظهر برطرف شود و مرتکب مبطلات روزه نشده باشد، حکم چیست؟ آیا روزه بر آنها واجب می‌شود؟

ج/ يجب.

پاسخ:

واجب است.

س٢٩/ هل يكون المسافر مرتكباً للحرام ومأثوماً لو صام، أم يكون صيامه باطلاً فقط ؟

پرسش ۲۹:

اگر مسافر روزه بگیرد، آیا مرتکب حرام شده و گناهکار است؟ یا فقط روزه‌اش باطل می‌باشد؟

ج/ مع علمه بالحكم الشرعي فهو مأثوم؛ لأنه يخالف عن عمد حكم الله إما استخفافاً بشرع الله أو استخفافاً وتكذيباً لناقل الشرع وهو خليفة الله.

پاسخ:

اگر به حکم آگاه باشد، گناهکار است؛ چرا که به طور عمد یا از روی سبک شمردن حکم خدا و یا سبک شمردن و تکذیب کردن بازگو کنندۀ شرع که جانشین خداوند است، با حکم خدا مخالفت کرده است.

\* \* \*

**رؤية الهلال:**

دیدن هلال:

س٣٠/ ما حكم الاستهلال بالنسبة للمؤمنين ؟

پرسش ۳۰:

حکم پیدا کردن ماه برای مؤمنان چیست؟

ج/ الاستهلال واجب على المؤمنين، وإن قام به من تصح شهادتهم سقط عن الآخرين.

پاسخ:

استهلال (جستجوی هلال ماه) بر مؤمنان واجب است و اگر عده‌ای که شهادت‌شان صحیح باشد اقدام به این کار نمایند از دیگران ساقط می‌گردد.

س٣١/ ومتى يكون بداية الرؤية والاستهلال لشهر رمضان، أفي النهار أم الفجر أم بعد الزوال أم قبله أو في وقت ظهور الشفق أو بعده أو قبله أو غير ذلك ؟

پرسش ۳۱:

چه وقتی باید به رؤیت و استهلال ماه رمضان پرداخت؛ در روز یا هنگام صبح یا بعد از ظهر یا پیش از ظهر، یا هنگام پیدا شدن شفق یا پس از آن یا پیش از آن و یا مواقع دیگر؟

ج/ مبدأ الاستهلال والرؤية من بعد الزوال من يوم ۲۹ من الشهر السابق (بالنسبة لرمضان يكون شهر شعبان)، ويمتد الاستهلال إلى منتصف الليل، وإن كانت رؤية الهلال تتم عادة بعد غياب الشمس وقبل ذهاب الشفق.

پاسخ:

آغاز استهلال و رؤیت هلال ماه، بعد از ظهر روز بیست و نهم ماه قبل است (که در مورد ماه رمضان، ماه شعبان می‌شود) و استهلال تا نیمه شب ادامه می‌یابد؛ اگرچه به طور معمول دیدن هلال پس از پنهان شدن خورشید و پیش از رفتن شفق، تمام می‌شود.

س٣٢/ هل من شروط المستهل المؤمن: البلوغ، سلامة النظر، العدالة، وحدة المکان والزمان للشاهدین، التیقن والاطمئنان من الرؤیة، الخبرة في التشخیص ؟

پرسش ۳۲:

آیا موارد زیر از شروط استهلال کنندۀ مؤمن هستند؟ بلوغ، سلامت بینایی([[3]](#footnote-3))، عدالت، یکی بودن مکان و زمان برای مشاهده‌کنندگان، نگاه مستقیم([[4]](#footnote-4))، اطمینان داشتن از رؤیت، مهارت و تجربه در تشخیص([[5]](#footnote-5)).

ج/ من الشروط: البلوغ والعقل والعدالة.

پاسخ:

بلوغ، عقل و عدالت از جملۀ شروط است.

س٣٣/ وفي موارد ثبوت رؤية الهلال ورد: (أو رؤي رؤية شائعة)، والسؤال: هل يختص الشياع بالمجتمع المؤمن فقط أو يشمل غيره ؟

پرسش ۳۳:

در مورد یکی از موارد اثبات رؤیت هلال گفته شده: (به صورت شایع رؤیت شده باشد). سوال این است که آیا این شایع بودن به جامعۀ مؤمنان اختصاص دارد یا شامل غیرمؤمنان هم می‌شود؟

ج/ الشياع لا يختص بالمؤمنين.

پاسخ:

شایع بودن رؤیت مختص به مؤمنان نیست.

س٣٤/ أيضاً قد يحصل شياع عن طريق وسائل الإعلام المنتشرة في أيامنا هذه، فهل يعتمد عليه ؟

پرسش ۳۴:

شایع شدن در زمان ما از طریق رسانه‌های جمعی نیز حاصل می‌شود. آیا بر این نوع شایع بودن هم می‌توان اعتماد نمود؟

ج/ الشياع يكون بين الناس بأنهم رأوه بأنفسهم أي لو سألت الناس فستجد كثيراً منهم يقول إنه رأى الهلال بحيث يحصل لك اطمئنان أنهم لا يتواطئون على الكذب.

پاسخ:

شایع بودن در بین مردم به این صورت می‌باشد که آنها خودشان دیده باشند؛ یعنی اگر از مردم بپرسی بسیاری از آنها بگویند هلال را دیده‌اند به طوری که شما اطمینان پیدا می‌کنی که آنها بر دروغ تبانی نکرده‌اند.

س٣٥/ وفي موضوع رؤية الهلال: هل يشترط الاثنان في الشهادة على الرؤية دون الإخبار بثبوت الشهر، فلو نقل شخص مؤمن - رجلاً كان أو امرأة - أنّ اثنين قد شاهدا الهلال، هل يثبت للسامع دخول الشهر اعتماداً على قوله ؟

پرسش ۳۵:

در مورد رؤیت هلال، آیا شهادت دادن دو نفر بر رؤیت هلال بدون آگاه شدن از ثابت شدن شروع ماه کفایت می‌کند؟ یعنی اگر مرد یا زن مؤمنی نقل کند که دو نفر هلال را دیده‌اند آیا بر شنونده آمدن ماه ـ‌براساس اعتماد به سخن این شخص‌ـ اثبات می‌گردد؟

ج/ لا يثبت.

پاسخ:

ثابت نمی‌شود.

س٣٦/ وماذا لو كان السامع شخصاً لا يستطيع التأكد من الخبر المنقول له لأي سبب كان كالحبس أو غيره، ولكن غلب على ظنه دخول الشهر بقول المخبر، هل يكفيه الصيام اعتماداً عليه ؟

پرسش ۳۶:

اگر شنونده، شخصی باشد که به هر دلیلی ـ‌مثلا زندانی بودن یا سایر دلایل‌ـ نمی‌تواند از خبر نقل شده یقین حاصل کند، ولی با توجه به سخن خبر دهنده ظن و گمانش غلبه کند بر اینکه وارد ماه شده است، آیا این اعتماد و تکیه کردن بر این شخص، روزه‌اش را کفایت می‌کند؟

ج/ يكفيه إلا إن ظهر له في المستقبل خلافه.

پاسخ:

کفایت می‌کند مگر اینکه در آینده خلافش آشکار شود.

س٣٧/ وعن ثبوت الهلال أيضاً ورد: (ويثبت بشهادة النساء)، والسؤال: هل تحسب كل شهادتين بشهادة واحدة وبالتالي نكون بحاجة إلى شهادة أربعة نساء ؟

پرسش ۳۷:

در مورد ثابت شدن هلال آمده است: (و با شهادت زن‌ها نیز ثابت می‌شود). سوال: آیا شهادت دو زن یک شهادت حساب می‌شود؟ و یا به عبارت دیگر آیا نیاز به شهادت چهار زن داریم؟

ج/ يثبت بشهادة رجل وامرأتين.

پاسخ:

با شهادت یک مرد و دو زن ثابت می‌شود.

س٣٨/ (لا يثبت الهلال بشهادة الواحد)، والسؤال: حتى ولو كانت شهادته تورث العلم للسامع ؟

پرسش ۳۸:

(رؤیت هلال با شهادت دادن یک نفر ثابت نمی‌گردد). سوال: حتی اگر شهادت این یک نفر برای شنونده علم‌آور باشد؟

ج/ لا يثبت بشهادة الواحد.

پاسخ:

با شهادت یک نفر ثابت نمی‌شود.

س٣٩/ هل لوحدة الأفق أو تعدده دور في تحديد الهلال ؟

پرسش ۳۹:

آیا یکی بودن افق و یا تعدُّد آن در مشخص کردن هلال تأثیری دارد؟

ج/ هذا جواب لسؤال قريب من هذا السؤال وهو موجود في كتاب الجواب المنير: (بالنسبة لولادة الهلال لا علاقة لها بالأفق المنسوب إلى مكان الناظر أما رؤيته بالعين فهي تتأثر بالأفق قطعاً لأنه منسوب إلى مكان الناظر، وإذا حكم الإمام العادل بأول الشهر القمري أو ختامه يثبت على كل أهل الأرض بغض النظر عن الرؤية البصرية وإمكانها أو عدمه).

پاسخ:

این جواب سوالی است که مشابه این سوال می‌باشد و در کتاب پاسخ‌های روشنگر موجود است: (در خصوص زمان پیدایش هلال، ارتباطی با افق منسوب به مکان ناظر، وجود ندارد اما رؤیتش با چشم قطعاً متأثر از افق می‌باشد؛ زیرا وابسته به مکان ناظر است. هنگامی که امام عادل حکم به اول ماه قمری یا پایان آن بدهد، برای همۀ اهل زمین بدون توجه به رویت آن با چشم و یا امکان یا عدم امکان آن، اثبات می‌شود).

س٤٠/ هل يمكن أن تختلف البلدان في أول شهر رمضان أو يوم العيد، وكيف ؟

پرسش ۴۰:

آیا امکان دارد سرزمین‌ها در اول ماه رمضان یا روز عید دچار اختلاف شوند؟ و این اختلاف چگونه می‌باشد؟

ج/ تختلف بحسب ثبوت الرؤية بالطريقة التي بينتها في الشرائع أما عند حضور الإمام العادل وحكمه بأول الشهر القمري فيثبت في كل البلدان.

پاسخ:

براساس اثبات رؤیت به روشی که در کتاب شرایع بیان کردم اختلاف پیدا می‌کنند؛ اما در زمان حضور امام عادل و حکم ایشان به اول ماه قمری، برای همۀ سرزمین‌ها ثابت می‌گردد.

س٤١/ ورد في الشرائع: (وإذا ثبت رؤية الهلال في بلد ثبتت في كل البلاد التي لا تختلف عنه في الوقت أكثر من ربع الليل والنهار أي ست ساعات)، والسؤال: بالنسبة إلى البلدان التي تتقدم أو تتأخر عن بلد الرؤية بأكثر من ذلك، فمثلاً: إذا ثبتت الرؤية في منطقة الشرق الأوسط غروب يوم الخميس فسيكون الجمعة أول الشهر الفضيل، فبالنسبة إلى استراليا التي تتقدم عليها بأكثر من ست ساعات وأمريكا التي تتأخر بأكثر من ذلك أيضاً متى يكون عندهم اليوم الأول ؟

پرسش ۴۱:

در کتاب شرایع آمده است: (اگر هلال در یک منطقه دیده شود در تمام مناطق دیگر که از لحاظ ساعت با هم بیش­تر از یک چهارم شبانه روز یعنی شش ساعت فاصله ندارند ثابت می‌شود). سوال: در مورد سرزمین‌هایی که تأخّر یا تقدمشان از سرزمین رؤیت شده بیش‌تر از این مقدار باشد چطور؟ به طور مثال اگر هلال، غروب روز پنج‌شنبه در منطقۀ خاور میانه دیده شود، روز جمعه اول ماه مبارک خواهد بود، حال برای استرالیا که بیش از شش ساعت جلوتر از خاور میانه و یا آمریکا که بیش‌تر از شش ساعت از آن عقب‌تر است، روز اول ما چه موقعی خواهد بود؟

ج/ يكون عند كل بلد بحسب ثبوت الرؤية فيه أو في بلاد يصح أن يعتمدوا على رؤية الهلال فيها كما هو مبين، أما لو حضر الإمام فحكمه بأول الشهر يشمل كل البلاد.

پاسخ:

همان‌طور که مشخص است، اول هر ماه در هر سرزمینی، بر حسب ثابت شدن دیده شدن هلال در آنجا یا در سرزمین‌هایی که می‌توان بر دیده شدن هلال در آنها اعتماد نمود، می‌باشد، اما اگر امام حاضر باشد، حکم او در مورد آغاز ماه تمامی سرزمین‌ها را دربرمی‌گیرد.

س٤٢/ هل يشترط رؤية الهلال بالعين المجردة، أم تكفي الرؤية ولو عبر الأجهزة الحديثة كالتلسكوبات وأمثالها ؟

پرسش ۴۲:

آیا دیدن هلال با چشم غیرمسلح شرط است؟ یا صرفاً دیدن ماه کفایت می‌کند حتی اگر با استفاده از تجهیزات مدرن امروزی مانند تلسکوپ و نظایر آن باشد؟

ج/ يمكن الاستفادة من الأجهزة لتحديد المكان والارتفاع والجهة، ولكن لا يثبت إلا إن رؤي الهلال بالعين المجردة.

پاسخ:

می‌توان از تجهیزات و وسایل برای معین کردن مکان، ارتفاع و سمت و سو استفاده کرد اما دیده شدن هلال تنها با چشم غیر مسلح ثابت می‌گردد.

س٤٣/ لو فرض أنّ الأفق في المنطقة التي يتوقع فيها طلوع الهلال غائم ولا يمكن معه الرؤية بالعين أصلاً، هل يعمل على حساب شعبان ثلاثين أم هناك حل آخر ؟

پرسش ۴۳:

اگر فرض کنیم افق در منطقه‌ای که در آن انتظار دیدن هلال وجود دارد، ابری و به هیچ وجه امکان رویت با چشم وجود نداشته باشد، آیا می‌توان بر اساس سی‌امین روز شعبان عمل کنیم یا راه حل دیگری وجود دارد؟

ج/ قد بيَّنت الحلول الأخرى في أكثر من موضع منها ثبوت الرؤية في بلد آخر بحسب ما مبين.

پاسخ:

راه حل‌های دیگری را در جاهای دیگر بیان کرده‌ام که یکی از آنها ثابت شدن رویت در کشوری دیگر بنا بر آنچه بیان شده است می‌باشد.

س٤٤/ ما قيمة أقوال الفلكيين وأمثالهم في تحديد الرؤية أو أيام الشهر ابتداء وانتهاء ؟

پرسش ۴۴:

نظر منجمان و همانند آنها در مشخص کردن رؤیت هلال و یا معین کردن روزهای اول و آخر ماه چقدر معتبر است؟

ج/ يمكن الاستفادة منها لتسهيل الرؤية بالعين.

پاسخ:

می‌توان از نظر آنها برای تسهیل در دیدن با چشم بهره جست.

س٤٥/ هل يمكن تعاقب شهريين قمريين (٢٩) يوماً لكل منهما ؟

پرسش ۴۵:

آیا دو ماه قمری بیست و نه روزه پشت سر هم امکان‌پذیر است؟

ج/ يثبت أول الشهر بالرؤية فلا إشكال في تعاقب شهرين قمريين (٢٩) يوماً لكل منهما.

پاسخ:

اول ماه با رؤیت ثابت می‌شود؛ پس در اینکه دو ماه قمری بیست و نه روزه پشت سر هم باشند اشکالی وجود ندارد.

س٤٦/ في صوم الثلاثين من شعبان ورد: (ولو صامه بنية رمضان لأمارة يجزيه)، هل لنا أن نتعرف على بعض مصاديق تحقق الأمارة المقبولة أو غير المقبولة شرعاً ؟

پرسش ۴۶:

در خصوص روزه گرفتن سی‌ام شعبان آمده است: (اگر با توجه به قراینی آن روز را به نیت رمضان روزه بگیرد، کفایت می‌کند). آیا می‌توانیم بعضی از مصادیق محقق شدن این علامت و قرینۀ مورد قبول یا غیر مقبول از نظر شرعی را بدانیم؟

ج/ الأمارة: هي أيّ علامة ترجح أن يكون اليوم هو الأول من شهر رمضان ولكن غير كافية ليثبت أنه منه مثل شهادة المؤمن الواحد، وكما بينت في الشرائع فإن الأفضل والمستحب صيام الثلاثين من شعبان بنية الندب، فإن انكشف من الشهر أجزأ.

پاسخ:

منظور از علامت و قرینه، هر نشانه‌ای است که این ظن که اول ماه رمضان است را تقویت می‌کند اما برای اینکه ثابت شود کافی نیست ـ‌مانند شهادت دادن فقط یک مؤمن‌ـ و همانطور که در شرایع بیان کردم بهتر و مستحب است که روز سی­ام از ماه شعبان را به نیّت استحباب روزه بگیرد، اگر بعداً مشخص شد که آن روز جزو ماه رمضان بوده است، روزه­ی ماه رمضان محسوب می­شود.

س٤٧/ ما المقصود بالشفق فيما ورد في الشرائع: (ولا بغيبوبة الهلال بعد الشفق) ؟

پرسش ۴۷:

منظور از (شفق) که در شرایع آمده است، چیست: (و نه با پنهان شدن هلال بعد از شفق).

ج/ أي الحمرة المغربية، والمراد من هذا هو أن لا يعتبر الهلال ليوم سابق لو بقي في السماء إلى ما بعد ذهاب الحمرة المغربية.

پاسخ:

یعنی [حُمرۀ مغربی](http://www.wikifeqh.ir/%D8%AD%D9%8F%D9%85%D8%B1%D9%87_%D9%85%D8%BA%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D9%87) (سرخی مغرب)؛ و منظور از این مطلب این است که هلال روز پیشین اگر بعد از رفتن سرخی مغرب در آسمان باقی بماند معتبر نیست.

س٤٨/ ورد في الشرائع: (ولا برؤيته يوم الثلاثين قبل الزوال)، فما المقصود بذلك ؟

پرسش ۴۸:

در شرایع آمده است: (و نه با رؤیت هلال در روز سی­ام قبل از زوال (اذان ظهر)). مقصود از این مطلب، چیست؟

ج/ أي لو رؤي الهلال يوم الثلاثين قبل الزوال لا يعد هذا اليوم أول أيام الشهر التالي.

پاسخ:

یعنی اگر هلال روز سی‌ام را پیش از زوال (ظهر) ببیند، امروز اولین روز ماه آینده محسوب نمی‌گردد.

\* \* \*

**وقت الصيام:**

وقت روزه:

س٤٩/ هل أُذن للصائمين أن يفطروا إذا هلّ الهلال ؟

پرسش ۴۹:

هنگامی که هلال رؤیت شود، آیا روزه‌داران اجازه دارند افطار کنند؟

ج/ الصائم يتم صيامه في كل يوم من أيام رمضان، وكذا اليوم الأخير من شهر رمضان وإن رأى الهلال قبل المغرب.

پاسخ:

روزه‌دار روزه‌اش را در همۀ ایام رمضان تمام می‌کند، و در مورد روز پایانی ماه رمضان نیز به همین ترتیب است، حتی اگر هلال را پیش از غروب آفتاب ببیند.

س٥٠/ قال تعالى: ﴿أَتِمُّواْ الصِّيَامَ إِلَى الَّليْلِ﴾ البقرة: ١٨٧، فما المقصود بهذا الوقت، هل هو ظهور أول نجم في السماء إعلاناً عن دخول الليل فيفطر الصائم ؟

پرسش ۵۰:

حق تعالی در قرآن می‌فرماید: ﴿(**روزه را تا شب به اتمام رسانید**)﴾ ([[6]](#footnote-6)). مقصود از این وقت چیست؟ آیا منظور ظاهر شدن اولین ستاره در آسمان است که به معنای وارد شدن در شب می‌باشد و روزه‌دار افطار کند؟

ج/ يجوز الإفطار مع دخول وقت صلاة المغرب.

پاسخ:

با وارد شدن به وقت نماز مغرب می‌توان افطار نمود.

\* \* \*

**الصيام في المرض وقضاؤه:**

روزه در بیماری و قضای آن:

س٥١/ يصح الصوم من المريض ما لم يستضر به، من يحدد ذلك الضرر المكلف نفسه أو الطبيب المتخصص، وماذا لو اختلفوا في التشخيص، وهل يقبل قوله وإن كان المكلف يظن بخلافه ؟

پرسش ۵۱:

روزه گرفتن بیمار تا هنگامی که ضرری به او نرسد صحیح است. چه کسی این ضرر را تعیین می‌کند؟ خود مکلف یا پزشک متخصص؟ و اگر اختلاف در تشخیص پیش آمد چطور؟ آیا نظر متخصص پذیرفته می‌شود، حتی اگر مکلف گمانی خلاف آن داشته باشد؟

ج/ من يحدد الضرر هو المتخصص أو تجربة المكلف ولو توفر لديه رأي الطبيب المتخصص والتجربة فيمكنه اعتماد أيهما شاء.

پاسخ:

کسی که ضرر را تعیین می‌کند متخصص و یا تجربۀ مکلّف می‌باشد. اگر نظر پزشک متخصص و تجربه برایش فراهم باشد، می‌تواند به هر کدام که صلاح ببیند اعتماد نماید.

س٥٢/ بخصوص المرض الذي يسقط به الصوم وقضاؤه، هل هو المرض الشديد المؤدي إلى الموت خلال السنة، أو مطلق الحالة المرضية التي تؤدي إلى الموت ولو بعد سنين ؟

پرسش ۵۲:

در خصوص مَرَض و بیماری که به خاطر آن، روزه و قضایش ساقط می‌گردد، آیا منظور بیماری وخیمی است که طی آن سال منجر به فوت می‌شود؟ یا به طور مطلق، منظور آن بیماری می‌باشد که منجر به فوت گردد، هر چند پس از سالیانی باشد؟

ج/ في أي حالة مرضية، إذا مرض ولم يتمكن من صيام شهر رمضان أو بعضه واستمر به المرض إلى رمضان آخر سقط عنه قضاء ما فاته من شهر رمضان السابق وكفر عن كل يوم بمد.

پاسخ:

در هر وضعیتی از بیماری اگر شخصْ بیمار باشد و نتواند ماه رمضان یا قسمتی از آن را روزه بگیرد و بیماری تا ماه رمضان بعد استمرار یابد، قضای آنچه از ماه رمضان پیشین از او فوت شده است از عهده‌اش ساقط می‌گردد و به ازای هر روز، یک مُد کفاره می‌دهد.

س٥٣/ هناك أمراض تطول بعض الشيء أحياناً ويفقد عندها المريض بعض إدراكه كأن يصل به الحال إلى عدم المعرفة بأوقات الصلاة والمفطرات، كالجلطة وما شابه، فهل يسقط عن المريض الصوم والصلاة وقضاؤهما أو يجب على ولده الأكبر تأديتهما عنه ؟

پرسش ۵۳:

بیماری‌هایی وجود دارند که گاهی اوقات عوارضی را به همراه دارند و بیمار برخی از ادراکات خود را از دست می‌دهد تا به آنجا می‌رسد که دچار ناتوانی از شناسایی اوقات نماز و مفطرات مانند لخته شدن خون و نظایر آن می‌شود. آیا نماز و روزه و قضای آنها از بیمار ساقط می‌شود؟ یا بر عهدۀ فرزند بزرگترش است تا آنها را انجام دهد؟

ج/ الصيام قد تبين حاله في المسألة أعلاه، فلو استمر مرضه مثلاً خمس سنوات ولم يبرأ فيها ولم يصم شهر رمضان فيها فليس عليه قضاء، ولكن يكفر عن كل يوم بمد، أما الصلاة فلابد أن يؤديها بما يمكنه ويناسب حاله أو يقضيها إن فاتته أو تقضى عنه أو يتصدق عنه بعد موته، ولا نغفل عن القضاء في ليلة القدر التي تفضل الله بها علينا.

پاسخ:

در مورد روزه در مسئلۀ بالا مشخص شد؛ یعنی به عنوان مثال اگر بیماری او تا پنج سال ادامه ادامه یافت و بیماری‌اش برطرف نشد، قضا بر عهده‌اش نیست ولی به ازای هر روز یک مُد طعام کفاره می‌دهد. اما در خصوص نماز، گریزی از به جا آوردن آن به هر صورتی که می‌تواند و مناسب وضعیتش می‌باشد و یا به جا آوردن قضای آنچه از او فوت شده است، نیست؛ یا اینکه به جای او قضا شود، یا پس از مرگش از طرف او صدقه داده شود؛ و ما نباید از نماز قضا در شب قدر که خداوند با آن بر ما منّت نهاده است غافل شویم.

س٥٤/ مطلوب صيام كثير أيام كان في عافية وكذا الصلاة، والآن هو في غير عافية، لأخذه العقاقير كعلاج، فما حكم القضاء أو الكفارة ؟

پرسش ۵۴:

روزه‌های زیادی برای قضا کردن دارد؛ از روزهایی که در سلامت بوده است و همچنین نمازهای بسیار. اکنون بیمار است و در حال درمان. حکم قضا و کفّارۀ آنها چیست؟

ج/ المريض الذي في ذمته قضاء صلاة وصيام أيام كان في عافية إذا كان يرجو الشفاء من مرضه يتربص حتى يشفى ويقضي ويُكفّر، وإذا كان يُكفّر بإطعام مساكين فيجب عليه المبادرة حتى قبل الشفاء بإطعام المساكين، وإذا كان مرضه مزمن ولا يستطيع الصيام فيدفع الفدية المعلومة عن كل يوم (٤/٣ كغم) من الطعام.

پاسخ:

بیماری که قضای نماز و روزۀ روزهای سلامتی بر گردن دارد، اگر امید به بهبودی دارد پس از بهبود یافتن آن را قضا کند و کفّاره بدهد و اگر می‌خواهد با إطعام مسکینان کفّاره دهد بر او واجب است که حتی قبل از بهبود یافتن اقدام به اطعام مسکینان نماید. اگر بیماری او مُزمن است و نمی‌تواند قضای روزه را به جا آورد فدیۀ مشخص که برابر با $\frac{3}{4}$ کیلوگرم طعام به ازای هر روز می‌باشد بدهد.

اما در خصوص نماز، به هر صورت که می‌تواند قضا کند؛ نشسته یا به هر وضعیتی که حالش یا مریضی‌اش اجاز می‌دهد([[7]](#footnote-7)).

س٥٥/ ما هو المقصود بـ (ذي العطاش) الذي يجوز له الإفطار في شهر رمضان والتصدق عن كل يوم بمد من طعام ؟

پرسش ۵۵:

منظور از (ذی العطش) (کسی که همیشه عطش دارد و تشنه است) چیست؟ یعنی کسی که می‌تواند در ماه رمضان روزه را بخورد و در برابر هر روز یک مُد طعام صدقه دهد؟

ج/ كل مريض يضره العطش.

پاسخ:

هر بیماری که تشنگی به او ضرر می‌رساند.

\* \* \*

**قضاء الصوم:**

قضای روزه:

س٥٦/ كيف يكون القضاء، هل هو یوم یقضیه قبال کل یوم قد أفطر فیه، أم ماذا ؟

پرسش ۵۶:

قضای روزه چگونه است؟ آیا یک روز در برابر هر روزی است که افطار کرده؟ یا چیز دیگری است؟

ج/ يقضي يوماً مقابل كل يوم أفطره.

پاسخ:

در برابر هر روزی که افطار کرده است یک روز روزۀ قضا به جا می‌آورد.

س٥٧/ ما حكم الذين آمنوا بالدعوة من بعد ١٣ رجب، إذا كانوا مطلوبين قضاء صيام شهر حسب ما جاء في البيان المذكور ؟

پرسش ۵۷:

حکم کسی که بعد از ۱۳رجب به دعوت ایمان آورده است اگر قضای روزۀ یک ماه را بدهکار باشد طبق آنچه در بیانیۀ مذکور آمده است، چیست؟

ج/ يقضي.

پاسخ:

باید قضایش را به جا آورد.

س٥٨/ لو أخّر القضاء إلى رمضان القادم تجب عليه الفدية عن كل يوم مد من طعام بالإضافة إلى القضاء، ماذا إذا تأخر إلى ما بعده، فهل تتضاعف الفدية بعدد السنين ؟

پرسش ۵۸:

اگر قضای روزه را تا رمضان سال آینده به تأخیر اندازد بر او به ازای هر روز دادن یک مُد طعام به عنوان فدیه به علاوۀ قضای آن روز، واجب می‌باشد؛ حال اگر تا رمضان پس از آن نیز به تاخیر بیندازد، آیا با گذشت دو سال فدیه دو برابر می‌شود؟

ج/ لا تتضاعف.

پاسخ:

دو برابر نمی‌شود.

س٥٩/ ورد في الشرائع: (إذا أفطر زماناً نذر صيامه على التعيين، كان عليه القضاء وكفارة كبرى مخيرة)، ما هو المقصود من: (نذر صيامه على التعيين) ؟

پرسش ۵۹:

در شرایع آمده است: (اگر روزۀ نذر معین را بشکند قضا بر او واجب است و همچنین باید کفّارۀ آن را به‌جا آورد). منظور از (روزۀ نذر معیّن) چیست؟

ج/ أي إنه نذر صيام وقت معين، مثل أن تكون أيام معينة من شهر معين من عام معين.

پاسخ:

یعنی او وقت معینی را نذر کرده باشد، مثل روزهایی مشخص از ماه‌هایی مشخص از سالی مشخص.

\* \* \*

**قضاء الولد الأكبر ما فات والديه:**

قضای پسر بزرگتر برای آنچه والدینش به جا نیاورده‌اند

س٦٠/ بالنسبة إلى الولد الأكبر الذي يجب عليه قضاء ما فات والديه من صلاة وصيام، هل يمكن أن يساعده أحد في ذلك، وماذا لو تبرع متبرع بالقضاء عنهما، هل يكون هو مأثوماً سواء كان التبرع بعد تقصير منه، أو بدونه ؟

پرسش ۶۰:

در خصوص پسر بزرگتری که قضای آنچه از نماز و روزه از والدینش فوت شده بر او واجب است، آیا کس دیگری می‌تواند به او کمک کند؟ و اگر کسی قضای آنها را از سرِ احسان داوطلبانه انجام دهد، آیا آن پسر گناهکار است؟ چه کوتاهی کرده باشد، چه نکرده باشد؟

ج/ في الشرائع (ولو تبرع بالقضاء بعض سقط) أي لو تبرع شخص أو أكثر بالقضاء سقط الوجوب عن الولد الأكبر، ولو كان التبرع دون تقصير منه لا يكون مأثوماً، أما لو كان قد أهمل قضاء ما في ذمة والديه فهو مأثوم.

پاسخ:

در شرایع آمده است (و اگر کسی داوطلبانه آنها را انجام دهد از بقیه ساقط می‌شود)؛ یعنی اگر یک یا چند نفر داوطلبانه قضا را به جا آورند وجوب از پسر بزرگتر ساقط می‌شود. اگر این داوطلبانه انجام دادن توسط دیگران بدون هیچ قصور و کوتاهی از سوی پسر بزرگتر باشد او گناهکار نیست، اما اگر در قضای آنچه به ذمۀ والدینش بوده کوتاهی کرده باشد، او گناهکار است.

س٦١/ ورد في الشرائع في القضاء عن الميت: (ولو كان له وليان أو أولياء متساوون في السن (حتى اللحظة) تساووا في القضاء)، كيف يتساوون في القضاء، فهل يجب عليهم أن يوزعوا ما فات الميت عليهم بالسوية، أم يكفي القضاء عنه ولو قضى أحدهم عن الميت أكثر من غيره ؟

پرسش ۶۱:

در شرایع در خصوص قضای بدل از میّت آمده است: (اگر میّت دو یا چند ولیّ داشته باشد که از نظر سنّی با هم برابر بودند (حتی از نظر لحظه­ی تولد) قضای اعمال میّت را به صورت مساوی انجام می­دهند). چگونه به طور مساوی قضا را به انجام می‌رسانند؟ آیا بر آنها واجب است آنچه از میّت فوت شده است را به تساوی بینشان قسمت کنند؟ یا صرفاً قضای او را به جا آوردن کفایت می‌کند، حتی اگر یکی از آنها بیش از دیگری به جا آورد؟

ج/أي تساووا في وجوب القضاء عن الميت، فلا يجب القضاء على احدهم دون الآخر، ولا يجب على أحدهم أن يقضي أكثر من الآخر، بل يتوزع القضاء بينهم بالتساوي، وإذا تبرع أحدهم بقضاء كل ما في ذمة الميت سقط عن الآخرين.

پاسخ:

یعنی از نظر وجوب قضا از طرف مرده، برابر هستند؛ پس اینگونه نخواهد بود که بر یکی واجب باشد و بر دیگری نه؛ و واجب نیست یک نفر بیش از دیگری قضا به جا آورد، بلکه قضا را بینشنان به تساوی قسمت کنند؛ و اگر یکی از آنها داوطلبانه قضای هر آنچه بر ذمۀ مرده است را تقبل کند از دیگران ساقط می‌گردد.

س٦٢/ إذا علم الأحفاد بأنّ الجد أو الجدة عليهما صلاة وصيام ولم يكن لهما ولي ولا عندهما تركة ليتصدق عنهما، فما هو الحكم ؟

پرسش ۶۲:

چنانچه نوادگان شخصی بدانند که نماز و روزه‌ای بر عهدۀ پدربزرگ و یا مادربزرگ بوده است و فرزندی ندارند (تا برای آنها قضا کند) و مالی از آنها بر جا نمانده تا از طرفشان صدقه داده شود، حکم چیست؟

ج/ يستحب لهم القضاء أو التصدق عنهم.

پاسخ:

برای آنها مستحب است تا آنچه از آنها فوت شده است را قضا کنند و یا از طرف آنها صدقه بدهند.

س٦٣/ ورد: (وإهماله - أي قضاء ما في ذمة الوالدين - من العقوق المحرم)، هل العقوق يحصل بالنسبة للوالدين فقط أو يشمل الأجداد أيضاً ؟

پرسش ۶۳:

آمده است: (.... و بی‌اعتنایی و سستی او نسبت به آن ـ‌یعنی قضا کردن آنچه برذمۀ والدینش است‌ـ نافرمانیِ حرام می‌باشد). آیا این نافرمانی، فقط نسبت به پدر و مادر است و یا اجداد را نیز شامل می‌شود؟

ج/ يشمل الوالدين فقط.

پاسخ:

تنها والدین را شامل می‌شود.

س٦٤/ إذا قصّر الولد الأكبر ولم يؤدِّ ما في ذمة والده، وأراد غيره - كبنت الميت - أن تتصدق عن والدها بمقدار ما في ذمته من الصيام، فهل يمكنها ذلك وتبرئ ذمة والدها ؟

پرسش ۶۴:

چنانچه پسر بزرگ کوتاهی کند و آنچه بر عهدۀ پدرش بوده را به جا نیاورد و شخص دیگری ـ‌مثلاً دختر شخصِ مرده‌ـ بخواهد به مقدار روزه‌هایی که بر عهدۀ پدرش بوده به نیابت از او صدقه بدهد؛ آیا او می‌تواند چنین کند و ذمۀ پدرش بَری می‌شود؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٦٥/ لو فرض أن الميت كان يمكنه قضاء بعض ما فاته (كما لو مرض آخر أسبوع من شهر رمضان وشفي من مرضه في اليوم الأول من شوال ووافاه الأجل في اليوم الخامس منه)، فهل يجب على الولي قضاء ما فات المريض (أي أسبوع في المثال) ؟

پرسش ۶۵:

اگر فرض شود که میّت می‌توانسته برخی از آنچه از او فوت شده است را قضاکند (مثل اینکه هفتۀ آخر ماه رمضان بیمار شده و در روز اول شوال شفا پیدا کرده باشد و در روز پنجم شوال نیز از دنیا برود)؛ حال آیا قضای آنچه از بیمار فوت شده بر فرزندش واجب است (در این مثال، هفتۀ آخر)؟

ج/ هذه الجواب من الشرائع (ولا يقضي الولي إلا ما تمكن الميت من قضائه وأهمله، إلا ما يفوت بالسفر ، فإنه يقضي ولو مات مسـافراً).

پاسخ:

این پاسخ از شرایع است: (فقط قضای روزه­ای که میّت می‌توانسته قضای آن را به جا آورد و اهمال کرده است بر ولیّ او واجب است، مگر آنکه میّت در سفر بمیرد و روزۀ آن سفر بر وی قضا شده باشد، که قضایش بر ولیّ واجب است).

س٦٦/ وهل يختلف الحكم، لو انشغل بعد شفائه بما منعه من الصيام (كما لو انشغل بسفر أو بعمل من اليوم الأول من شوال إلى الرابع منه وتوفي في الخامس)، فهل يجب على الولي القضاء عنه في مثل هذه الحالة ؟

پرسش ۶۶:

و آیا حکم تفاوتی می‌کند، اگر پس از شفا از بیماری به آنچه او را از روزه گرفتن بازمی‌دارد مشغول شود (مثلا از روز اول تا چهارم شوال به سفر برود و یا به عملی مشغول شود و روز پنجم نیز از دنیا برود)؟ آیا در مثل چنین وضعیتی، قضا بر فرزند واجب است؟

ج/ قد تبين الجواب في أعلاه.

پاسخ:

پاسخ در پاسخِ پیشین بیان گردید.

س٦٧/ لو كان على الميت كفارات أو واجبات أخرى (كالحج والخمس والزكاة وإرجاع حقوق إلى أهلها)، فهل هي في عهدة الولد الأكبر أيضاً كما هو حال الصلاة والصيام ؟

پرسش ۶۷:

اگر کفاره یا واجبات دیگری (مانند حج، زکات و بازگرداندن حقوقی به صاحبش) بر عهدۀ میّت باشد، آیا احقاق این حقوق نیز همانند نماز و روزه بر عهدۀ پسر بزرگتر است؟

ج/ ليست في عهدة الولد الأكبر بالخصوص.

پاسخ:

به طور خاص بر عهدۀ پسر بزرگتر نیست.

\* \* \*

**ما يتعلق بالتكفير في الصيام:**

آنچه به کفارۀ روزه تعلق دارد:

س٦٨/ هل الكفارة تكون في صورة الإفطار عمداً عن علم، أم تشمل الإفطار عن جهل بالحكم أيضاً ؟

پرسش ۶۸:

آیا کفارۀ افطار عمدی روزه در صورت دانستن حکم واجب می‌گردد، یا کسی که با ناآگاهی از حکم افطار می‌کند را هم شامل می‌شود؟

ج/ لا تشمل الجاهل بالحكم.

پاسخ:

شامل کسی که از حکم آگاهی ندارد نمی‌شود.

س٦٩/ ما هي الكفارة الكبرى المخيرة على من أفطر زماناً ؟

پرسش ۶۹:

کفارۀ بزرگ اختیاری برای کسی که زمانی افطار کرده است، کدام می‌باشد؟

ج/ الكفارة هي نفسها كفارة إفطار يوم من شهر رمضان مخير بين الإطعام أو الصيام أو العتق.

پاسخ:

کفاره‌اش کفارۀ خوردن (عمدی) یک روز از ماه رمضان است که بین غذا دادن (اطعام)، گرفتن روزه یا آزاد کردن برده، اختیار دارد.

س٧٠/ هل يشترط في صيام الثمانية عشر يوماً (الذي يكون بدلاً عن صيام الشهرين عند العجز) التتابع أيضاً ؟

پرسش ۷۰:

آیا در کفارۀ گرفتن هجده روز (که شخص از گرفتن دو ماه روزه ناتوان می‌باشد) پشت سر هم بودن نیز شرط است؟

ج/ لا يشترط.

پاسخ:

خیر، شرط نیست.

**س٧١/ إذا كفّر بالاستغفار ثم استطاع بعد الاستغفار وتمكّن من أداء إحدى الكفارات كعتق رقبة أو إطعام ستين مسكيناً، أو تمكّن من صيام شهيرين متتابعين فقط، فما هو الحكم ؟**

پرسش ۷۱:

اگر شخصی با استغفار کفاره را به جا آورد و پس از استغفار، توانایی پیدا کند و بتواند یکی از این کفّاره‌ها را بدهد ـ‌مانند آزاد کردن بنده یا اطعام شصت فقیر‌ـ یا اینکه پس از استغفار فقط بر روزه گرفتن پی در پی در دو ماه استطاعت یابد، تکلیف چیست؟

**ج/ إذا أدى كفارته فلا شيء عليه بعد الأداء، وإن كانت كفارته الاستغفار.**

پاسخ:

اگر کفّاره‌اش را بدهد پس از ادا کردن دیگر چیزی بر عهده‌اش نیست، حتی اگر کفّارۀ او استغفار بوده باشد.

**س٧٢/ وإذا لم يجد الرقبة يدفع ثمنها للإمام أو وصيه أو من نصبوه عنهم لذلك، ولكن كم هو مقدار عتق الرقبة في هذا الزمان ؟**

پرسش ۷۲:

و اگر بنده‌ای پیدا نکند و بخواهد بهای آن را به امام یا وصیّ او یا کسانی که آنها برای این وظیفه منصوب کرده‌اند بپردازد، در این زمان قیمت آزاد کردن بنده چقدر است؟

**ج/ للإمام تقدير الثمن وإسقاطه أو بعضه.**

پاسخ:

قیمت‌گذاری و نیز ساقط کردن آن یا برخی از آن بر عهدۀ امام است.

س٧٣/ ورد في الشرائع: (يجوز الجماع حتى يبقى لطلوع الفجر مقدار إيقاعه والغسل، ولو تيقن ضيق الوقت فواقع فسد صيامه وعليه الكفارة)، والسؤال عن حكم القضاء ؟ وهل يمكننا القول: في كل مورد تجب فيه الكفارة يجب فيه القضاء أيضاً ؟

پرسش ۷۳:

درکتاب شرایع آمده است: (نزدیکی تا قبل از اذان صبح جایز است به شرط اینکه بداند به مقدار انجام آن و غسل کردن وقت دارد، و اگر مطمئن باشد که وقت کم است و (با این حال) جماع کند، روزه­اش باطل است و کفّاره هم بر او واجب می­شود). سوال در مورد حکم قضا است؛ آیا می‌توانیم بگوییم: هر جا کفاره واجب می‌شود قضا نیز واجب می‌باشد؟

ج/ إذا فسد صيامه في شهر رمضان فأكيد يجب عليه قضاؤه.

پاسخ:

اگر روزه‌اش در ماه رمضان باطل شود قطعاً قضای روزه بر او واجب می‌گردد.

س٧٤/ من كان حكمه التكفير والتصدق بمد من طعام وهو لا يمكنه دفع ذلك لفقره، فما هو حكمه ؟

پرسش ۷۴:

کسی که حکمش کفاره دادن و صدقه دادن با یک مد طعام باشد و توانایی پرداخت آن را نداشته باشد، حکمش چه خواهد بود؟

ج/ الاستغفار.

پاسخ:

استغفار.

س٧٥/ بالنسبة إلى (المد) الذي يكفر به في بعض الموارد في مسائل الصيام، هل فيه شرط خاص، أم يكفي كيفما كان الطعام، فهل يكفي أن يكون مطبوخاً كماعون رز وزنه ٤/٣ الكيلو، أو بعض أنواع الخبز أو المعجنات أو اللبنيات أو الفواكه أو الخضروات وما شابه بالوزن المذكور ؟

پرسش ۷۵:

در رابطه با مُد طعام که در برخی مسایل مربوط به روزه با آن کفاره داده می‌شود، آیا شرط خاصی را شامل می‌شود؟ یا غذا به هر کیفیتی که باشد کفایت می‌کند؟ و آیا صرف اینکه پخته باشد مثل برنج پخته با وزن $\frac{3}{4}$ کیلو گرم یا مثلا بعضی از انواع نان و شیرینی یا لبنیات یا میوه یا سبزیجات یا شبیه اینها با همان وزن مذکور، کفایت می‌کند؟

ج/ ما كان قوتاً غالباً، كالحنطة والشعير ودقيقهما والأرز والتمر والفواكه.... الخ، ولو كان مطبوخا أو معلباً يجوز مثل الفواكه والأغذية المعلبة والمعجنات والأرز المطبوخ ... الخ.

پاسخ:

آنچه قوت غالب باشد؛ مانند گندم و جو یا چیزی که با اینها مطابقت کند و برنج، خرما، میوه یا .... سایر موارد؛ و می‌تواند پخته یا به صورت کنسرو نیز باشد مثل کمپوت، مواد غذایی کنسرو شده، شیرینی‌جات، برنج پخته .... و نظایر اینها.

س٧٦/ وهل يكفي التكرار على مسكين أكثر من مرة، وحسابه بمقدار المرات التي تكررت ؟

پرسش ۷۶:

آیا تکرار بیش از یک بار برای یک فقیر کفایت می‌کند و حسابش به مقدار دفعاتی است که تکرار کرده است؟

ج/ يجوز إذا كانت كفارات متعددة.

پاسخ:

اگر کفاره‌ها متعدد باشد جایز است.

 س٧٧/ وورد في القسم الرابع من صيام الكفارات: (ما يجب الصيام مرتباً على غيره مخيراً بينه وبين غيره، وهو: كفارة الواطئ أمته المحرمة بإذنه)، فهلا أوضحت ذلك ؟

پرسش ۷۷:

در قسمت چهارم از روزۀ کفاره آمده است: «چهارم: کفارۀ رتبه‌بندی شدۀ قابل اختیار؛ (در کفّاره‌ها رتبه‌بندی وجود دارد و اگر نتوانست اولی را انجام دهد، مخیّر است که بعدی را انتخاب کند): کفّارۀ مردی که با کنیزش ـ‌در حالی که با اجازۀ او مُحرِم شده است‌ـ نزدیکی کند». ممکن است متن فوق را توضیح دهید؟

ج/تفصيل الكفارة مذكور في الشرائع ج2 وفقكم الله وهذا هو النص: (ولو جامع أمته محلاً، وهي محرمة بإذنه، تحمل عنها الكفارة، بدنة أو بقرة أو شاة. وإن كان معسراً، فشاة أو صيام ثلاثة أيام).

پاسخ:

تفصیل کفارۀ مذکور در کتاب شرایع جلد ۲ آمده است ـ‌خداوند توفیقت دهد‌ـ و متن آن: «و اگر در حالی که خود محرم نیست با کنیزش ـ‌که با اجازۀ او محرم شده است‌ـ نزدیکی کند باید کفاره بدهد و کفّاره‌اش مخیر بین یک شتر یا یک گاو و یا یک گوسفند است و اگر تنگ‌دست بود مخیر است بین یک گوسفند و یا سه روز روزه یکی را انتخاب کند».

\* \* \*

**مسائل أخرى في الصيام:**

سایر مسایل روزه:

س٧٨/ لو كان عليه صيام شهر متتابع فصام منه ١٥ يوماً ثم أفطر، ثم أراد البناء والإكمال فهل يصوم الخمسة عشر يوماً الأخرى متتابعاً، أم يكفيه صيامها ولو متفرقة ؟

پرسش ۷۸:

اگر یک ماه روزۀ متوالی بر عهده‌اش باشد و اگر پانزده روزش را روزه گرفته باشد سپس افطار کند و مجددا تصمیم بگیرد روزه‌هایش را کامل کند، آیا باید پانزده روزِ باقیمانده را پشت سرهم روزه بگیرد؟ یا فقط روزه گرفتن کفایت می‌کند حتی به صورت غیرمتصل و پراکنده؟

ج/ يكفيه إتمامها متفرقة.

پاسخ:

تمام کردن روزه‌ها به صورت پراکنده کفایت می‌کند.

س٧٩/ ذكر في الصيام المندوب (في الشرائع) مواضع يستحب فيها الصيام، مثل: صيام الأيام البيض ويوم الغدير ويوم مولد النبي  وغيرها، فهل يستحب لمن لم يصم فيها القضاء أو التصدق عن كل يوم بمد من طعام عند العجز ؟

پرسش ۷۹:

در کتاب شرایع موارد روزه‌های مستحبی ذکرشده است، مثل: روزۀ ایام البیض([[8]](#footnote-8))، روزۀ روز غدیر خم، روزۀ روز ولادت پیامبر و .....آیا کسی که نتوانسته است در این روزها روزۀ مستحبی بگیرد می‌تواند قضایشان را به جا آورد یا اگر ناتوان بود به جایش یک مد طعام صدقه بدهد؟

ج/ يستحب له التصدق.

پاسخ:

مستحب است یک مُد غذا صدقه بدهد.

س٨٠/ إنسان مؤمن يصوم صيام واجب في الأيام المستحب فيها الصيام مثل الثلاثة أيام من کل شهر وأيام ذي الحجة، فهل يقع له ثواب الصيام المستحب في هذه الأيام ؟

پرسش ۸۰:

انسان مؤمنی روزه‌های واجب را می‌گیرد و در ایامی که روزه گرفتن در آنها مستحب است ـ‌مثل سه روز هر ماه و ایام ذی‌الحجه‌ـ نیز روزه‌دار است. آیا ثواب روزۀ مستحبی این ایام برای او نوشته می‌شود؟

ج/ إن شاء الله نعم.

پاسخ:

به خواست خدا بله.

س٨١/ بعض المؤمنين يعملون في أماكن حارة جداً وعملهم شاق ولا يستطيعون تحمل الصيام، يسألون إما أن نترك العمل ونبقى صائمين وبذلك لا يمكننا جلب ما تحتاجه عوائلنا، وإما نعمل فلا قدرة لنا على الصيام فنضطر للإفطار، فماذا نفعل ؟

پرسش ۸۱:

بعضی از مؤمنان در مناطق به شدت گرم کار می‌کنند و کارشان طاقت‌فرسا است و نمی‌توانند روزه را تحمل کنند. سوال می‌کنند آیا کارمان را رها کنیم و روزه‌مان را نگه داریم که در این صورت از عهدۀ مخارج خانواده‌مان برنمی‌آییم، و یا کار کنیم که در این صورت نیز مجبور می‌شویم روزه‌مان را بشکنیم؟ ما چه باید بکنیم؟

ج/ يصومون ويصرف لهم من بيت المال مبلغ في شهر رمضان لإعانتهم.

پاسخ:

روزه بگیرند و از بیت المال مبلغی برای کمک خرج‌شان در ماه مبارک رمضان به آنها پرداخت شود.

\* \* \*

**ليلة القدر:**

شب قدر:

س٨٢/ متى هي ليلة القدر، ومتى يكون شروعها بعد الغروب ونهايتها ؟

پرسش ٨٢:

شب قدر چه موقعی است؟ و شروع شب قدر از هنگامی پس از غروب و پایانش چه موقعی می‌باشد؟

ج/ ليلة القدر هي ليلة ٢٣ من رمضان، وحدّها من غياب الشمس إلى الفجر الصادق.

پاسخ:

شب قدر، شب بیست و سوم ماه رمضان است و حدود آن از هنگام پنهان شدن خورشید تا صبح صادق می‌باشد.

\* \* \*

وبمناسبة الاعتكاف للصيام من جهة اشتراطه به، أضع بين أيدي المؤمنين بعض ما أجاب به السيد أحمد الحسن مما يتعلق بالاعتكاف:

به دلیل لازم بودن روزه‌داری در اعتکاف، برخی از مسایل مربوط به اعتکاف را که سید احمدالحسن اقدام به پاسخ‌گویی به آنها فرموده‌اند به پیشگاه مؤمنان تقدیم می‌کنم:

**الاعتكاف:**

اعتکاف:

س٨٣/ لو نذر اعتكاف خمسة أيام، فهل يعتكف خمسة أيام أم ستة ؟

پرسش ۸۳:

اگر کسی نذر پنج روزه بکند، آیا پنج روز معکتف می‌شود یا شش روز؟

ج/ يعتكف خمسة أيام، إلا إن كان لم يشترط فيها التتابع واعتكف ثلاثة منها وقطع عندها لا يصح أن يعتكف اليومين المتبقية فقط، بل لابد أن يعتكف ثلاثة أيام أخرى.

پاسخ:

پنج روز معتکف می‌شود، مگر اینکه پشت سر هم بودن را شرط نکرده باشد که در این صورت، سه روز آن را اعتکاف می‌کند و از اعتکاف بیرون می‌آید و صحیح نیست که فقط دو روز باقیمانده را اعتکاف کند، بلکه می‌باید سه روز دیگر معتکف شود.

س٨٤/ ولو اعتكف - استحباباً - سبعة أو ثمانية أيام متتابعة، فهل يمكنه الانصراف أم لابد أن يجعلها تسعة أيام ثم ينصرف ؟

پرسش ۸۴:

اگر به صورت مستحبی هفت یا هشت روز متوالی اعتکاف کند، آیا می‌تواند اعتکافش را قطع کند؟ یا باید حتما به نُه روز برساند بعد از اعتکاف بیرون بیاید؟

ج/ لا يجب أن يتمها تسعاً.

پاسخ:

ضروری نیست آن را به نُه روز تمام کند.

س٨٥/ وهل يصح الاعتكاف من الصبي، ولو صح فهل يشترط إذن أبيه لو أراد الاعتكاف؟

پرسش ۸۵:

آیا اعتکاف کودک صحیح است؟ اگر صحیح است اگر بخواهد معتکف شود آیا اجازۀ پدرش شرط است؟

ج/ لا يصح.

پاسخ:

صحیح نیست.

س٨٦/ ولو خرج في اليوم الثالث من اعتكافه المستحب، فهل يلزمه قضاء أم أنه ترك واجباً عليه ويؤثم على تركه فقط ؟

پرسش ۸۶:

اگر در روز سوم اعتکاف مستحبی‌اش از اعتکاف خارج شود آیا قضای آن برایش واجب است؟ یا اینکه فقط به خاطر ترک کردنش، گناه آن بر گردنش می‌باشد؟

ج/ لا يجب القضاء.

پاسخ:

قضا واجب نیست.

س٨٧/ وهل تشييع المؤمن المبيح للمعتكف الخروج من المسجد لا يبطل الاعتكاف ولو طالت مسافة التشييع، بأن ابتعد عن مكان اعتكافه كثيراً ؟

پرسش ۸۷:

آیا مشایعت مؤمن برای معتکفی که از مسجد خارج می‌شود مجاز است و اعتکاف وی را باطل نمی‌کند؟ حتی اگر مسافت مشایعت طولانی باشد؟ حتی اگر از مکان اعتکافش بسیار دور شود؟

ج/ لا إشكال إن طالت المسافة.

پاسخ:

حتی اگر مسافت طولانی باشد اشکالی وارد نیست.

س٨٨/ ولو أراد عيادة مريض وهو معتكف فخرج من المسجد وفي طريقه إليه مرّ في سوق وتوقف فيه أو ما شابه، فهل يؤثر ذلك على اعتكافه ؟

پرسش ۸۸:

اگر در حالی که در اعتکاف است بخواهد به عیادت بیماری برود و از مسجد خارج شود و در راه خانۀ بیمار به بازار برود و در آن توقف کند و یا مشابه اینها، این عمل تاثیری در اعتکاف وی خواهد داشت؟

ج/ لا يؤثر.

پاسخ:

تاثیری ندارد.

س٨٩/ وهل يصح خروج المعتكف لو أراد بيان الحق لطلابه، أو حضور مناظرة بين أهل الحق والباطل، أو حضور زواج مؤمن، أو حصل عند أهله وعياله شيء يتطلب حضوره، وكم له أن يغيب عن مكان اعتكافه لو صح له الخروج منه ؟

پرسش ۸۹:

آیا خارج شدن معتکف برای بیان کردن حق برای خواهانش، یا برای حضور در مناظرۀ بین حق و باطل، یا حضور در مراسم ازدواج مؤمن، یا به قصد رفتن به سوی خانواده‌اش برای دلیلی که حضورش را لازم می‌گرداند، صحیح است؟ اگر صحیح است که خارج شود چه مدت می‌تواند اعتکافش ترک کند؟

ج/ (يجوز الخروج للأمور الضرورية كقضاء الحاجة، والاغتسال، وشهادة الجنازة، وعيادة المريض، وتشييع المؤمن، وإقامة الشهادة)، وللمعتكف تقدير أموره وأهميتها وضرورة خروجه لإتمامها على أن لا يستغرق يوم وليلة أو ما يعادلها أي (٢٤ ساعة) متصلة.

پاسخ:

(خروج از مسجد فقط برای موارد ضروری جایز است، مانند خروج برای قضای حاجت،([[9]](#footnote-9)) غسل کردن، تشییع جنازه، عیادت بیمار، مشایعت مؤمن و حضور برای شهادت دادن). معتکف باید به گونه‌ای امورش و اهمیت و ضرورت آنها را برنامه‌ریزی کند که خارج شدنش برای انجام آنها یک شب و یک روز و معادلش یعنی بیست و چهار ساعت پیوسته به طول نینجامد.

س٩٠/ وهل يقصد بالجلوس إطالة البقاء أو لا يجوز أصل الجلوس ووضع مقعده على الأرض أو الكرسي، فمثلاً: لو أراد عيادة مريض في بيته أو في المستشفى فما هي طريقة العيادة التي لو فعلها لم يبطل اعتكافه ؟

پرسش ۹۰:

آیا منظور از نشستن، به مدت طولانی ماندن است یا نه، منظور خود نشستن بر روی زمین یا صندلی می‌باشد؟ به عنوان مثال اگر بخواهد به عیادت بیماری در خانه‌اش یا بیمارستان برود نحوۀ صحیح این کار که اعتکافش را باطل نکند به چه صورت می‌باشد؟

ج/ أي في الطريق يتجنب الجلوس للراحة، ولا إشكال في جلوسه في المكان المظلل عند عيادة المريض. فالمفروض أنه معتكف وخرج لضرورة فلا يصح أن يتنزه تحت الظلال أو يقضي بعض الوقت يجلس في الطريق، بل يقضي حاجته ويقتصر على الضروري لقضائها ويرجع إلى اعتكافه.

پاسخ:

یعنی در راه از نشستن برای استراحت کردن اجتناب کند، و اشکالی ندارد هنگام عیادت بیمار زیر سایه بنشیند. فرض بر این است که او معتکف می‌باشد و برای ضرورتی خارج شده است، پس صحیح نیست در سایه قدم بزند یا مقداری از وقتش را در نشستن در راه بگذراند، بلکه باید وقتش را صَرف حاجتش کند و تنها برای برآوردن نیاز ضروری، بسنده کرده، به اعتکافش بازگردد.

س٩١/ وما هو المقصود بـ (الظلال)، فلو تطلب قضاء الحاجة دخول بيت مسقف أو ركوب سيارة كذلك فهل يبطل اعتكافه ؟

پرسش ۹۱:

منظور از (سایه) چیست؟ اگر معتکف برای رفع نیاز به خانۀ مسقّف داخل و یا سوار ماشینی این چنینی گردد، آیا اعتکافش باطل می‌شود؟

ج/ لا يبطل كما تبين أعلاه، فما هو ضروري لقضاء حاجته لا إشكال فيه.

پاسخ:

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد باطل نمی‌شود؛ آنچه برای رفع نیاز ضروری‌اش باشد اشکالی ندارد.

س٩٢/ ما المقصود بالمماراة التي هي من محرمات الاعتكاف ؟

پرسش ۹۲:

منظور از جدال و نزاع (ممارات) که از محرّمات اعتکاف است چیست؟

ج/ مناقشة الآخرين لأجل الغلبة والانتصار للنفس.

پاسخ:

بحث و مناقشه با دیگران برای غلبه بر آنها و پیروزی خودش.

س٩٣/ ولو احتاج إلى شيء ضروري كشراء أكل أو دواء وما شابه، فهل يمكنه فعل ذلك ؟

پرسش ۹۳:

اگر نیاز به چیزی ضروری پیدا کند مثل خرید، خوردن، دارو یا نظایر اینها، آیا می‌تواند این کار را انجام دهد؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایزاست.

\* \* \*

كان هذا آخر ما دونته من أجوبته مما يتعلق بالصيام والاعتكاف، والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

این پایان آن چیزی است که در این قسمت از پاسخ‌های سید احمدالحسن که سلام و صلوات پروردگارم بر او باد، در آنچه مربوط به روزه و اعتکاف بود تدوین نمودم.

و حمد و ستایش تنها از آنِ خداوند، پروردگار جهانیان است؛ و سلام خداوند بر برترین خلقش، محمد و آل پاک و مطهر او، امامان و مهدیین، و سلام تام بر آنها باد!

\*\*\*

\*‌ \*‌ \*

1. - غیبت نعمانی: ص 129 [↑](#footnote-ref-1)
2. - ۱۳ فروردین ۱۳۹۰ هجری شمسی (مترجم). [↑](#footnote-ref-2)
3. - یعنی بینایی‌اش ضعیف نباشد اما کسی که از عینک و با استفاده از آن بینایی‌اش کامل می‌گردد، شامل این حکم نمی‌شود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-3)
4. - یعنی دیدن باید با چشم صورت گیرد نه با دوربین، تلسکوپ، پریسکوپ یا آینه. (مترجم) [↑](#footnote-ref-4)
5. - یعنی دارای دانش و قدرت تشخیص نظری باشد؛ به عبارت دیگر در تشخیص و استهلال قدرت درک داشته باشد. (مترجم) [↑](#footnote-ref-5)
6. - بقره: 18. [↑](#footnote-ref-6)
7. - این پاراگراف در اصل عربی کتاب نبود که از پاسخ پاسخ‌های روشنگر جلد ۲ پاسخ سوال ۱۵۹ اضافه گردید (مترجم). [↑](#footnote-ref-7)
8. - 13، 14 و 15 هر ماه قمری (مترجم). [↑](#footnote-ref-8)
9. - حاجتی که ضروری باشد، مثل رفتن نزد طبیب، یا آوردنِ غذا و چیزهایی که به آنها نیاز دارد، یا.... (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء سوم، صوم ص64). [↑](#footnote-ref-9)